



<http://www.arianafghanistan.com>



برلین - ۱۶ فبروری ۲۰۱۹

خلیل الله معروفی

نگاهی به نگاشته‌های "یونس نگاه"



"نوشتن" کسبی ست و "نویسندگی" مگر کسبی نیست. یعنی چه؟؟؟

یعنی آن طوری، که "نوشتن" را یاد میگیرند و از معلم و مدرسه و مکتب و دبستان و پوهنتون فرامیگیرند، "نویسندگی" و "نویسنده شدن" را کسی از کسی نمیتواند بیاموزد. "نویسنده شدن" و "نویسندگی" ابعاد خاص خود را دارد، که از طریق تعلم و تعلیم و تدریس و تحصیل محض، میسر شده نمیتواند. از نظر من "نویسندگی" در وهله اول یک ودیعه ذاتی و خداداد است و میتواند در طینت و سرشت فرد نهفته و در نهاد و گلش سرشته شده باشد. همان قسمی، که: - "نقاشی" کار هرکس بوده نمیتواند، ولو آن را تعلیم میدهند و تدریس میکنند و می‌آموزند و هم می‌آموزانند، مگر هرکس "مانی" و "بهباد" و "لئوناردو د ونچی" و "پیکاسو" نمیشود. - چه بسیار بودند، که شعر گفتند و شعرگفتن را فرض ذمه خود ساختند، اما کسی به جایگاه عنصری و فردوسی و مولوی و سعدی و حافظ و جامی و خلیلی و ... نرسید.

- هرکس میتواند درس موسیقی بگیرد و در پیش استاد زانو بزند، ولی هرکس "قاسم" و "سراهنگ" نمیشود؛ همان قسمی، که در خطه پر عجائب و غرائب هند، "بله غلام علی" و "فتحعلی" و "دلشاد" و "راویشنکر" دگر نروئیدند - و در باختر پهناور نیز، دیگر کسی به پایه "موتسارت" و "بیتهوفن" و "شوپن" و "چیکوفسکی" و "دوژاک" و "یوهان شتراوس" و ... نرسید.

- چه بسا کسان، که درس فزیک گرفتند و استاد فزیک و فزیکدان گشتند و حتی جائزة نوبل فزیک را از آن خود ساختند؛ اما کسی دیگر جای "آیزاک نیوتن" و "البرت اینشتین" را گرفته نتوانست.

از فیض دجتالی شدن جهان، چها نیست، که همگانی نشده باشد و کها نیست، که به نام و نشانی نرسیده باشد. دور نرویم و به خود بنگریم و فعالیت نویسندگان وطندار خود را مد نظر بگیریم. در صفحات انترتی، که همه آنی و همگانی هستند، چه بسا افغانان را میبینیم، که دست به قلم میبرند و از برکت قلم الکترونیک، نام کشیده اند. طیف نویسندگان هموطن بسیار وسیع شده است و وسیعتر هم شده میرود، مگر هرکس سبک خاص خود را دارد؛ بگذریم،

از کسانی، که مینویسند، تا خود بخوانند؛ اینها تنها برای خود مینویسند. مگر هستند، کسانی، که آن مینویسند، که دیگران نوشته نتوانند.

در طیف چنین نویسندگان، که در واقع نخبگان و شاذان و ممتازان و مستثنایان هستند، اخیراً نویسنده ای قد علم کرده است، که با دیگران بسیار فرق دارد. او از کابل نازنین مینویسد و تا جائی، که برایم معلوم گردیده، تنها برای پورتال "**افغانستان آزاد - آزاد افغانستان**" مینویسد. مرادم از عزیزی به نام "**یونس نگاه**" است، که به گمان اغلب اصلاً پشتون است، ولی مانند بسا پشتونان دیگر، دوزبانه پرورده شده؛ هم بر زبان دری تسلط کامل دارد و هم بر زبان ارجمند پشتو.

ارجمند "**یونس نگاه**" سبک خاصّ و شاذ و ممتاز خود را دارد، که هرکسی را یارای هنبازی و همترازی با وی نیست. سبک نوشته اش بی اندازه بکر است و تنها و تنها مخصوص به خودش. او کوتاه مینویسد، عمیق مینویسد و شیره و شربت و لب و لباب و جان مطلب را در خلال چند جمله میگنجاند. تا جائی، که از عکسش بر می آید، جوان است و شاداب از انرژی. من شخصاً نوشته هایش را حتماً و بالضرور میخوانم و از آن لذتها همبیرم. از مشخصات نگارشش یکی هم "**کوتاه نویسی**" و "**بحر را در کوزه گنجائین**" است. او طنز هم مینویسد و چه طنزهایی، که او مینویسد و کسی دگر را یارای مقایسه با او نیست. برای نمونه دو لنک را از "**افغانستان آزاد - آزاد افغانستان**" کاپی کرده و در دسترس خوانندگان عزیز "**آریانا افغانستان آنلاین**" میگذارم. هر دو نوشته "**طنز**" است و چه طنزی، که طنزهای دیگر به گردش هم نمیرسند؛

چه طنزی، که به فرموده کابلیان همه طنزهای دیگر پیشش نی میزنند!!!

- نوشته زیر عنوان "**کلید صلح**" است و چندین روز پیش نوشته شده:

<http://afgazad.com/Satire-2015/013019-YN-Keleed-Solh.pdf>



نگاهی به نگاشته های "یونس نگاه"

Maroofi_k_negaahy_ba_yonus_negaah.pdf